

[دوشنبه 22 خرداد 1396 - 17 رمضان 1438 - 12 ژوئن 2017](#)

درگذشت عالم مبارز آیت الله "میرزا کاظم دینوری" (1374 ش)

درگذشت عالم مبارز آیت الله "میرزا کاظم دینوری" (1374 ش)

آیت الله حاج میرزا کاظم دینوری در سال 1281 ش (1320 ق) در خاندانی که همگی از علمای مبارز و مراجع تبریز و از علمای بزرگ آذربایجان بودند به دنیا آمد. وی پس از فراگیری مقدمات علوم، به نجف اشرف رفت و از محضر آیات عظام سید ابوالحسن اصفهانی، آقاضیاءالدین عراقی، میرزای نائینی و محمد حسین غروی اصفهانی و دیگران استفاده نموده و به مدارج بالایی علمی دست یافت. آیت الله دینوری سپس به وطن مراجعت کرد و به انجام وظائف دینی، اقامه جماعت و تدریس و ترویج دین پرداخت. از آثار ایشان می توان به تقریرات درس فقه و اصول استادان خویش و نیز رساله توضیح المسائل اشاره کرد. سرانجام آن مرد بزرگ پس از عمری تلاش در راه اعلای کلمه توحید در 23 خرداد 1374 ش برابر با 14 محرم 1416 ق در 93 سالگی بدرد حیات گفت و در تبریز به خاک سپرده شد.

معراج پیامبر اسلام(ص)(سال دوازدهم بعثت)

بنا به روایتی، پیامبر گرامی اسلام، در شب هفدهم ماه رمضان سال دوازدهم بعثت به امر خداوند از مکه به بیت المقدس سیر کرد و به آسمان ها عروج نمود. در اولین آیه از سوره ی اسراء، این معجزه ی بزرگ، توصیف شده است. با توجه به این آیه و سخنان حضرت محمد(ص)، ایشان در معراج با بسیاری از اسرار الهی، رموز جهان آفرینش و سرنوشت انسان ها در جهان دیگر آشنا شد. مرکب پیامبر در این سفر آسمانی براق نام داشت و جبریل، فرشته ی بزرگ خداوند، با آن حضرت همسفر بود و دیدنی های عالم بالا و ملکوت و فرشتگان آسمان و بهشت و جهنم را به پیامبر نشان داد. این حادثه از معجزات بزرگ پیامبر گرامی اسلام به شمار می رود و حاکی از جایگاه رفیع ایشان است.

شرفیابی "حسن بن مثله جمرانی" در عالم رویا به محضر "امام زمان(عج) و مأموریت یافتن او در ساخت مسجد جمران(393 ق)

شرف یابی شیخ حسن بن مثله جمرانی به محضر مبارک حضرت ولی الله عصر ارواحنا له الفداء و کسب مأموریت جهت ساخت مسجد مقدس جمران در چنین روزی از سال ۳۷۳ هجری قمری حادث گردید. میرزا حسین نوری طبری (ره) - صاحب کتاب نجم الثاقب - چگونگی ساخت این مسجد مقدس را این روال روایت می کند: شیخ حسن بن مثله جمرانی می گوید: من شب سه شنبه، ۱۷ ماه مبارک رمضان سال ۳۷۳ هجری قمری در خانه خود خوابیده بودم که ناگاه جماعتی از مردم به در خانه من آمدند و مرا از خواب بیدار کردند و گفتند: برخیز و مولای خود حضرت مهدی (عج) را اجابت کن که تو را طلب نموده است. آن ها مرا به محلی - که اکنون مسجد جمران است - آوردند، چون نیک نگاه کردم، تختی دیدم که فرش نیکو بر آن تخت گسترده شده و جوانی سی ساله بر آن تخت، تکیه بر بالش کرده و پیرمردی هم نزد او نشسته است، آن پیر، حضرت خضر بود که مرا امر به نشستن نمود، حضرت مهدی (عج) مرا به نام خود خواند و فرمود: برو به حسن مسلم - که در این زمین کشاورزی می کند - بگو: این زمین شریفی است و حق تعالی آن را از زمین های دیگر برگزیده است و دیگر نباید در آن کشاورزی کند. عرض کردم: یا سیدی و مولای! لازم است که من دلیل و نشانه ای داشته باشم وگرنه مردم حرف مرا قبول نمی کنند، آقا فرمود: تو برو و آن رسالت را انجام بده، ما نشانه های برای آن قرار می دهیم، و هم چنین نزد سید ابوالحسن - یکی از علمای وقت قم - برو و به او بگو: حسن مسلم را احضار کند و سود چند ساله را که از زمین به دست آورده است، وصول کند و با آن پول در این زمین مسجدی بنا نماید. چون به راه افتادم، چند قدمی هنوز نرفته بودم که دوباره مرا بازخواند و فرمودند: بزی در گله جعفر کاشانی است، آن را خریداری کن و بدین مکان آور و آن را بکش و بین بیماران انفاق کن، هر بیمار و مریضی که از گوشت آن بخورد، حق تعالی او را شفا دهد. حسن بن مثله جمرانی می گوید: من به خانه بازگشتم و تمام شب را در اندیشه بودم، تا این که نماز صبح را خواندم و به سراغ علی المنذر رفتم و ماجرای شب گذشته را برای او نقل کردم و با او به همان مکان شب گذشته رفتم، و در آنجا زنجیرهایی را دیدیم که طبق فرموده امام (عج) حدود بنای مسجد را نشان می داد. سپس به قم نزد سید ابوالحسن رضا رفتم و چون به در خانه او رسیدیم، خادم او گفت: آیا تو از جمران هستی؟ به او گفتم: بلی! خادم گفت: سید از سحر در انتظار تو است. آن گاه به درون خانه رفتم و سید مرا گرامی داشت و گفت: ای حسن بن مثله من در خواب بودم که شخصی به من گفت: حسن بن مثله، از جمران نزد تو می آید، هرچه او می گوید، تصدیق کن و به قول او اعتماد نما، که سخن او سخن ماست و قول او را رد نکن. از هنگام بیدار شدن تا این ساعت منتظر تو بودم، آن گاه من ماجرای شب گذشته را برای وی تعریف کردم. سید بلافاصله فرمود تا اسب

ها را زین نهادند و بیرون آوردند و سوار شدیم، چون به نزدیک روستای جمکران رسیدیم، گله جعفر کاشانی را دیدیم، آن بز از پس همه گوسفندان می آمد، چون به میان گله رفتم، همین که بز مرا دید به طرف من دوید، جعفر سوگند یاد کرد که این بز در گله من نبوده و تاکنون آن را ندیده بودم، به هر حال آن بز را به محل مسجد آورده و آن را ذبح کرده و هر بیماری که از گوشت آن تناول کرد، با عنایت خداوند تبارک و تعالی و حضرت بقیةالله (عج) شفا یافت. ابوالحسن رضا، حسن مسلم را احضار کرد و منافع زمین را از او گرفت و مسجد مقدس جمکران را بنا کرد.

وقوع غزوه ی "بدر" اولین جنگ بین اسلام و کفر به فرماندهی پیامبر اکرم(ص)(2 ق)

بدر، نام چاهی است که در اطراف آن، نبرد میان مسلمانان و مشرکان شعله ور گردید و پس از پایان نبرد، کشته های مشرکین در آن افکنده شدند. در این غزوه که نخستین مقابله ی سپاه اسلام با کفر و نبرد اهل توحید با اهل شرک بود، مشرکان و کفار در آن، از جنبه ی ساز و برگ نظامی و اسلحه و مهمات بر مسلمانان برتری داشتند و نفرات آنان سه برابر سپاه اسلام بود. سردارانی چون امیرالمؤمنین علی(ع)، حمزة بن عبدالمطلب و عبیدة بن الحارث بن عبدالمطلب(ع) در این جنگ حضور یافته و هفت نفر از سران لشکر کفر مانند: ابوجهل، ولید، شیبّه و عتبه را به همراه ده ها تن دیگر از مشرکان به هلاکت رساندند. مسلمانان همچنین، هفتاد نفر از کفار قریش را به اسارت درآوردند. اصحاب رسول خدا(ص)، 317 نفر به تعداد اصحاب طالوت بودند ولیکن معروف است که تعداد اصحاب آن حضرت، 313 نفر بوده است.

اولین آزمایش برای مهار و به کارگیری انرژی حرارتی خورشید (1914م)

در دوازدهم ژوئن 1914م اولین آزمایش برای مهار و به کارگیری انرژی حرارتی خورشید در ناحیه ی ای در حومه قاهره در مصر انجام شد. مبتکر و مجری این طرح یک فیزیک دان آلمانی به نام شومان بود که توانست با تمرکز اشعه خورشید یک ماشین بخار را که 50 اسب بخار نیرو داشت به کار بیاورد. این آزمایش، اساس موتورهای و محرکه های آفتابی شد که امروزه در صنعت، کاربرد زیادی یافته اند.

تصرف سرزمین "شیلی" توسط استعمارگران اسپانیایی (1540م)

تا اوایل قرن شانزدهم، شیلی محل سکونت اقوام گوناگونی بود که شغل اصلی آنها ماهیگیری بود. در سال 1536م کشورگشایان استعمار اسپانیا به همراه 500 سرباز اسپانیایی و 15 هزار سرباز بومی اجیر شده با هدف تصرف شیلی راهی این منطقه شدند. اما پس از حدود 2500 کیلومتر پیشروی در خاک شیلی، از شورش در لیما پایتخت پرو، دیگر مستعمره خود مطلع گردیدند. اسپانیا در این تهاجم از یک سو تلفات بسیاری داد و از سوی دیگر فرمانده مهاجمان اسپانیایی نیز در راه بازگشت کشته شد. اما در مرحله ی ای دیگر در 12 ژوئن 1540 اسپانیا موفق به تصرف شیلی گردید. حضور اسپانیا در شیلی تا 18 سپتامبر 1810م به طول انجامید. گرچه در این میان طرفداران ادامه سلطه اسپانیا تا سال 1818 مقاومت کردند. شکست نهایی اسپانیا در این کشور مرهون حرکت "خوزه سن مارتین" سردار آرژانتینی است که به کمک آزادی خواهان و استقلال طلبان شیلی توانست این کشور را رهایی بخشد. (ر.ک: 18 سپتامبر)